



## یادداشت

اصرار بیهوده بر سیاست شکست خورده افزایش جمعیت، ره بجایی نمی برد

صادق کار



وزیر راه و شهر سازی دولت رئیسی در مشهد قول اعطای ۷۰ هزار قطعه زمین رایگان به خانواده های ۳ نفره و بیشتر تا پایان سال را داده است. مهرداد بذر پاش که در مراسم "اعطای" ۱۲۱۰ قطعه زمین به خانوار های پر اولاد در دانشگاه فردوسی مشهد سخن می گفت، اهدای زمین به خانواده ها را متأثر از دستور رهبر و تصویب در مجلس عنوان کرد.

هدف از این بذل و بخشش تشویق خانواده ها به فرزند آوری و در راستای سیاست جوان سازی جمعیت کشور است که خامنه‌ای سالهاست بر طبل آن می کوبد اما نرخ زادولد به رغم سفارش های مکرر خامنه‌ای و وعده های تشویقی پیاپی کارگزاران وی همچنان در حال کاهش بوده است.

به گفته علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار در مرکز آمار ایران روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت آهنگ رشد جمعیت در ایران از دهه ۶۰ شروع شد و تا آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت به ۱.۲۴ صدم درصد رسید؛ اما از آن سال تاکنون همان روند کاهشی ادامه پیدا کرده "به طوری که الان به زیر یک درصد، حدود ۰.۷۷ درصد، رسیده است.

وام ۵۰۰ میلیون برای ساخت خانه به خانوارهای بیش از سه نفر، از وعده‌های دیگر وزیر مسکن و شهر سازی بود.

ظاهراً شکست سیاست ساخت یک میلیون مسکن سالانه باعث دادن زمین بجای مسکن آماده شده است و تعداد آن نیز از یک میلیون خانه به ۷۰ هزار قطعه زمین کاهش داده شده است! اما کو خانواده‌ای که آنقدر درآمد داشته باشد که بتواند اقساط ۵۰۰ میلیون وامی را که به زحمت کفاف هزینه ساخت یک خانه دو اتاقه روی زمین های واگذار شده را بدهد، پردازد؟



تلاش رژیم برای افزایش نرخ رشد جمعیت در شرایطی پیگیری می شود که بیش از نیمی از مردم زیر خط فقر نسبی و مطلق قرار دارند، ۲۰ درصد جمعیت کشور بیکار هستند، کشور از کم آبی و بی آبی و خشک سالی شدیداً رنج می برد و فجایع زیست محیطی اکثر مناطق کشور را در بر گرفته و سالیانه صدها هزار نیروی کار ماهر و تحصیلکرده بواسطه نداشتن کار، رفاه و آسایش و آزادی و چشم انداز امید بخش، کشور را ترک و میلیاردها تجربه و دانش را که در کشورشان کسب کرده اند با خود به همراه می برند. به عبارتی ابلهانه ترین سیاست این است که کشوری نیروی کار توانمند و جوان خود را پس از آموزش و پرداخت هزینه های آن به هر علت نتواند جذب کند و آنها را مجبور به مهاجرت کند و در همان حال از ضرورت جوان سازی نیروی کار دم برآورد.

به تجربه ثابت شده است که کشور ما حتی ظرفیت جمعیت ۸۶ میلیونی کنونی را که حداقل ۶ میلیون نفرشان مهاجرت کرده اند را ندارد تا برسد به آنکه جمعیت را به ۱۵۰ میلیون نفر که خواست خامنه ای است برساند.

جمعیت بدون فراهم کردن ملزومات آن با دادن چند هزار قطعه زمین خشک و خالی به عده معدودی از جمعیت کشور ولو اینکه کارشناسان هم آنها ضروری بدانند، ولی مردم امکان آنها نداشته باشند، زیاد نخواهد شد. با توجه به وضعیت بحرانی کشور و از همه مهمتر با وجود کم آبی شدید، بودجه افزایش نرخ رشد جمعیت علی الحساب باید بجای تولید معضل جمعیتی افزونتر، صرف بهنیه کردن آب رسانی، رسیدگی به بحران زیست محیطی، و مبارزه با فقر و نجات و آموزش کودکان خیابانی شود و شرایطی در کشور بوجود آید که انگیزه مهاجرت از جوانان گرفته شود.

تهیه جهیزیه برای تشویق تعدادی از جوانان که به علل مادی قادر به تشکیل خانواده نیستند از جمله اقداماتی هستند که در راستای افزایش جمعیت انجام می شوند. با این حال از آنجا که مشکل کاهش همه ساله ازدواج و افزایش طلاق جهیزیه نیست و جوانان با مشکلات متعددی دست به گریبان هستند بیشتر این گونه ازدواج های سر هم بندی شده نیز پس از مدت کوتاهی و قبل از بچه دار شدن از هم می پاشند. بعنوان مثال در مراسم "اهدای" یک هزار و پانصد سری جهیزیه نوعروسان کمیته امداد در خوزستان، سید محمد نبی موسوی امام جمعه استان گفت "غالب طلاق های ایران در یک سال نخست ازدواج رخ می دهند و این مساله به این معنی است که با فرهنگ ناب اسلام آشنا نشده ایم" این طلاق ها البته می تواند به خیلی مسائل و بیشتر از هر چیز با مشکلات اقتصادی ربط داشته باشد، الی عدم آشنایی با فرهنگ اسلامی.

اکثریت مردم خوشبختانه آنقدر آگاه و دور اندیش شده اند که فریب وعده ها و توجیحات کاذب و ابلهانه کارگزاران پامنبری رژیم برای فرزند آوری بیشتر را نخورند و قبل از آماده شدن اوضاع کشور با آوردن بچه بیشتر بر مشکلات خود و کشورشان نیفزایند. سیاست افزایش جمعیت رژیم شکست خورده است و اصرار بر ادامه آن ره بجایی نمی برد.

**از اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران برای  
افزایش دستمزد و حقوق و سایر مطالبات سندیکایی حمایت کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**

کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش نهم  
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک  
ژان مانینات



کلاسی (برای کودکان کار) در بولیوی

## هزینه‌ها و بهره‌های ریشه‌کنی کار کودک 2.4

قبل از بالا گرفتن وخامت مسئله کار کودک در جهان و نگرانی در باره راه حل آن، برنامه بین‌المللی ریشه‌کنی کار کودک در سال 2003 نتیجه یک تحقیق در سطح (ILO) وابسته به سازمان بین‌المللی کار (IPEC) ریشه‌کنی کار کودک جهانی را منتشر کرد: "سرمایه‌گذاری روی همه کودکان: تحقیق در هزینه‌ها و مزایای ریشه‌کنی کار کودکان". این تحقیق نشان داد که هزینه‌های اقتصادی برای آموزش و سلامت همه کودکان به جای فرستادن آنان به بازار کار، ولو که این هزینه‌ها بیش از 20 سال تداوم یابند، محسوساً از بهره‌های مترتب بر آموزش و سلامت کودکان محدودتر و متضمن بهره‌خالص اقتصادی برای مردم، خانواده‌ها و جامعه به طور کلی اند.

تا آنجا که موضوع مشخص هزینه در میان است، هزینه‌ها به عمومی و خصوصی تقسیم می‌شوند. هزینه‌های عمومی، موارد مرتبط با گسترش پوشش آموزش عمومی و بهبود کیفیت آن را شامل می‌شود، و نیز هزینه مستقیم لازم برای مبارزه با بدترین اشکال کار کودکان را. منظور از هزینه‌های خصوصی، به ویژه برای خانواده‌ها، هزینه‌ای است که یک خانوار در صورت پرهیز از کماشتن کودک به کار، متحمل خواهد شد.

در بررسی حاضر بهره حاصل از آموزش و سلامت کودکان نیز در نظر گرفته شده است. در ارتباط با آموزش، یک بهره عمومی این است که از واقعیت تحصیل‌کردگی سرچشمه می‌گیرد، و آن این است که تحصیل‌کردگان از درآمد بالاتری بابت فروش نیروی کارشان برخوردار می‌شوند. در ارتباط با سلامت، این عامل در نظر گرفته شده که کودکانی که ناگزیر به بازار کار رو نمی‌آیند، از صدمات کمتری رنج می‌برند، و این مستقیماً بر درآمد آنان در آینده تأثیر معینی دارد. البته اندازه‌گیری بهره‌های آموزش و سلامت کودکان دستخوش محدودیتهایی است، زیرا این اندازه‌گیری الزاماً بر درآمدهایی مبتنی است که در آینده در بازار کار به دست خواهند آمد. در نتیجه سایر مزایای حاصل از آموزش بیشتر، و کاهش هزینه خدمات بهداشتی و از این دست را نادیده می‌گیرد.



مقایسه "هزینه و فایده" آموزش و سلامت، که در طول زمان تولید می‌شوند، مبین آن چیزی است که "بهره" همچنین الزام (IPEC) اقتصادی خالص" نامیده می‌شود. پیشنهاد برنامه بین المللی ریشه کنی کار کودک کاستن از هزینه های خانواده های تهیدست (جبران آنچه فوقاً هزینه خصوصی نامیده شد، و برخی هزینه‌های مستقیم مثل لباس فرم، کتاب و غیره) را در نظر می‌گیرد. از آن جمله است اقدام به حواله بانکی برای عموم کودکان خانواده های تهیدست، مشروط به حضور آنان در مدرسه. مبلغ این حواله معادل 80 درصد ارزش کار کودکان (هزینه خصوصی) است، اما این مبلغ در هر حال از شکاف فقر فراتر نمی‌رود. محاسبه هزینه-فایده، با منظور داشتن مجموع این عوامل و نیز هزینه های مدیریت و بالاسری صورت می‌گیرد و در نهایت مبین "بهره اقتصادی خالص" است

چنین مطالعه ای در سطح جهانی در سال 2003 انجام شد و در سال 2005، با استفاده از اطلاعات دقیق تر، برای کشورهای امریکای لاتین تکرار شد. در زیر به برخی از نتایج اصلی آن مطالعات خاص برای امریکای لاتین اشاره می‌کنیم

بر اساس این مطالعه، هزینه های اجرای چنان برنامه ای بستگی اکیدی به میزان کار کودکان، پوشش سیستم آموزشی و کیفیت آن، و همچنین سطوح فقر در هر کشور دارد. در ارتباط با این آخرین فاکتور (سطح فقر)، با توجه به این که سطح فقر در امریکای لاتین بسیار بالاست و نیز با توجه به این که فقر عمدتاً کودکان و و نوجوانان را تحت تأثیر می‌گیرد، ضرورت داشت که کمک مالی مستقیم به کودکان در خانواده های با فقر شدید محدود شود. حتی در این صورت هم، هزینه کمک مالی مستقیم (حواله بانکی) به کودکان خانواده های فقیر، در اکثر کشورهای مورد مطالعه از عرضه آموزش بیشتر بود و در تمام کشورها بیشتر از هزینه خصوصی که خانوار متحمل می‌شود

بدون منظور داشت هزینه پرداخت مستقیم، بهره اقتصادی خالص در اکثر کشورها بسیار بالا است: به زبان اقتصادی "نرخ بازده داخلی" این سرمایه گذاری در اکثر کشورها بیشتر از 5 درصد است، که "بسیار رضایتبخش" به حساب می‌آید

طبعاً وقتی هزینه های پرداخت مستقیم را هم منظور کنیم، نرخ بازده داخلی کاهش می‌یابد، اما در اکثریت بزرگ کشورها مثبت است و در برخی از آنها همچنان نسبتاً بالاست. با این وجود باید به این نکته اشاره کرد که برنامه پرداخت مستقیم مشروط به حضور ماندگار در مدرسه، که برای انجام تحقیق گفته شده پیش رفت، از پوشش بسیار گسترده‌ای برخوردار بود، به نحوی که می‌توان نتیجه گرفت برنامه هایی که به ویژه برای گروه هایی از کودکان کار در سمت ریشه کن کردن کار کودکان ابتکار می‌شوند، در عمل تأثیر بیشتری - با هزینه های پایینتر و بهره اقتصادی خالص بالاتری - همراه خواهند بود

شایان ذکر است که روش شناسی مطالعه انجام یافته در امریکای لاتین برای بررسی طریق گسستن چرخه فقر در میان کودکان کار، با عرضه آموزش و سلامت و فرستادن آنان به مدرسه به جای بازار کار، قابل استفاده عمومی است. البته ما در اینجا فقط بر تأثیر چنین سیاستهایی بر درآمد نیروی کار آینده مکت می‌کنیم. بنابراین این تأثیرات باید حداقل تأثیرات فهمیده شوند، و از دیگر عوامل مؤثر بر رشد کامل کودکان غفلت نشود

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!**





## تصویب طرح دو فوریتی مجلس برای توقف بیمه کارگران ساختمانی! صادق



به نوشته رسانه ها اصلاحیه ماده ۵ قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۴۰۱ با تصویب طرح دو فوریتی نمایندگان مجلس ولایی متوقف و به دو سال بعد موکول شد. در واقع مجلس با این بند بازی مکارانه تصویب قانونی را که تامین اجتماعی قریب یک میلیون کارگر ساختمانی در گرو تصویب آن بود علی الحساب برای دو سال متوقف و تکلیف آن را به مجلس آتی واگذار کرد. به این ترتیب و تا اطلاع ثانوی قانون ۱۳۹۳ با همه محدودیت هایش بجای خود باقی خواهد ماند و بودجه ۱۵ درصدی آن کماکان از محل عوارض صدور پروانه های ساختمانی تامین خواهد شد.

طرح دو فوریتی معمولا برای طرح های عاجل مورد استفاده قرار می گیرد، طرح آن برای متوقف کردن بیمه کارگران ساختمانی گویای مخالفت شدیدی است که نمایندگان مجلس با بیمه بخشی از زحمتکش ترین و آسیب پذیرترین گروه های کارگری دارد. جلوگیری از به انجام رسیدن این طرح البته نظر به سوابق مجلس چندان دور از انتظار و ناگهانی نبود. از ابتدا هم قصد تصویب آنرا نداشتند، شرایط ایجاب می کرد که تظاهر به این کار بنمایند و بازهم شرایط بعد از تنفس جنبش انقلابی فضا را برای موکول کردن آن به دو سال بعد فراهم کرد.

با این تصمیم به گفته اکبر شوکت رئیس انجمن کارگران ساختمانی که یک تشکل دولتی است، با موکول کردن اصلاح ماده ۵ قانون به دو سال دیگر علاوه بر ۵۰۰ هزار نفر که قرار بود در اثر تصویب آن تحت پوشش تامین اجتماعی قرار بگیرند، ۲۵۰ هزار نفر دیگر نیز که بیمه هستند، از مزایای قانونی که تصویب نشد، محروم خواهند شد.

گفتنی است که کشاکش بر سر بیمه میان کارگران ساختمانی کشاکشی بسیار طولانی و پر پیچ و خم است که تا کنون مجالس حال و گذشته با شعبده بازی و به بهانه های واهی از جمله امتناع از اصلاح قانون مربوطه و به تعویق انداختن بیپای رسیدگی به لایحه یک میلیون کارگر ساختمانی را در بلا تکلیفی نگاه داشته اند.



بهانه این بار تاثیر اصلاح ماده ۵ قانون روی ساخت و سازها در شهرهای کوچک و متوسط کوچک و رفع اشکالات لایحه ذکر شده است. اما توقف اجرای قانون به مدت دو سال دیگر در واقع حکم خریدن و قتل برای تن ندادن به یکی از بدیهی ترین حقوق بالغ بر یک میلیون کارگر ساختمانی را دارد

وزیر کار نیز که این اقدام را در راستای سیاست بی حقوق سازی نیروی کار توسط دولت می بیند، از این تعویق مجلس به گرمی حمایت کرده است. اگر ریگی در کفش نمایندگان مجلس نبود، اصلاح یک ماده قانونی نیاز به دو سال وقت نداشت. وانگهی ظاهرا اشکال مربوط به شهرستانهاست، در این صورت آنها می توانستند تا رفع مشکلی که به واقع ساخته و پرداخته خود آنها ست، شهرستانها را تا اصلاح قانون از شمول آن مستثنی می کردند. اما هدف در واقع از بین بردن تامین اجتماعی کارگران ساختمانی بود. نمایندگان خود فروخته مجلس فرمایشی هنگام طرح این توطئه چشمان و گوشهای خود را روی این واقعیت آماري که بیشترین حوادث شغلي و بیشترین مرگ و معلولیت در صنعت ساختمان رخ می دهد و قربانیان این حوادث به واسطه محرومیت از بیمه بعد از هر حادثه‌ای به دلیل نداشتن بیمه به حال خود رها می شوند و در بهترین حالت کارفرما با پرداخت اندکی بعنوان دیه سر و ته قضیه را بهم می آورد و کارگر معلول را به حال خود رها می کند بستند

طبق قانون تامین اجتماعی هرکارگری می تواند با پرداخت سهم حق بیمه خود تحت پوشش تامین اجتماعی قرار بگیرد. کارگران ساختمانی نیز با رضا و رغبت حاضرند سهم بیمه خود را بپردازند و کارفرمایان نیز مکلفند سهم خود را بپردازند. یعنی در واقع بیمه نکردن کارگر غیر قانونی است. با این حال سالهاست به بهانه های مختلف و برای اینکه انبوه سازان و بسیاری از شرکتهای ساختمانی حاضر به پرداخت حق بیمه خود و بیمه کردن کارگر نیستند، دو سوم کارگران ساختمانی از این حق بدیهی خود محروم مانده‌اند. به گفته اکبر شوکت هزینه بیمه کارگران ساختمانی نیم درصد هزینه ساختمان را تشکیل می دهد. اما همین مبلغ اندک را که روی زندگی، سلامت، بازنشستگی و از کار افتادگی کارگران و خانواده هایشان اثر مهمی دارد از کسانی که خانه و مسکن امن برای مردم می سازند دریغ می دارند

امتناع مجلس از رفع محدودیت و موانع قانونی بیمه کارگران ساختمانی همانطور که رئیس انجمن کارگران ساختمانی نیز به آن اذعان نموده نه تنها نیم میلیون کارگر ساختمانی را که وعده داده بودند با اصلاح قانون تحت پوشش بیمه قرار بگیرند، حداقل به مدت دو سال از حقوق بدیهی شان محروم می کند، بلکه ۲۵۰ هزار کارگر ساختمانی را که از قبل توانسته بودند خود را بیمه کنند تحت تاثیر قرار خواهد داد. با این ترفند مجلس در همدستی با دولت نه تنها افراد جدیدی را تحت پوشش بیمه قرار ندادند، بلکه بیمه ۲۵۰ هزار نفر دیگر را در معرض از دست رفتن قرار دادند. در این میان انجمن دولتی کارگران ساختمانی کاری برای جلوگیری از این تصمیم ضد کارگری نتوانست و نخواست انجام دهد. این تشکل می توانست با استفاده از حساسیت زیادی که کارگران نسبت به بیمه دارند، قبل از تعویق دو ساله فراخوان تظاهرات مقابل مجلس بدهد و عده زیادی کارگر را به میدان بیاورد، ولی بخاطر وابستگی خود به حکومت این کار را نکرد و به شکوه و شکایت مختصر و بی خاصیتی بسنده کرد. تا وقتی که کارگر تشکل مستقل با رهبران معتقد به حقوق کارگر که پیگیر باشند نداشته باشد، وضعیت کارگر اگر سال به سال بدتر نشود، بهتر نخواهد شد. این است آن درسی که از این رویداد باید گرفت

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی!**

**کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!**



با جعل آمار نمی توان واقعیت ها را وارونه نشان داد!

صادق



جعل آمار و اطلاعات در مورد عملکرد دولتها پدیده تازه‌ای در کشور نیست. ده‌ها سال است که مسئولین دولتی و حکومتی تلاش کرده و می‌کنند ناکارآمدی و شکست خود را با دادن آمارهای ساختگی مثبت نشان دهند. در گزارشهای هیچ یک از دولتها و سایر نهادهای حکومتی از صدر تا ذیل هرچه هست مثبت و عالی گزارش می‌شود. از آمارهای رشد اقتصادی و تورم گرفته تا اشتغال و عمران والی آخر.

اما دولت رئیسی در جعل آمار و اطلاعات برآستی گوی سبقت را از همه ی دولتهای گذشته ربوده و از آنجا که در ناکارآمدی و فساد نیز پیشتاز است برای جبران درماندگی خود مجبور است به جعل بیشتر آمار روی بیاورد و با دادن آمارهای جعلی برای خود کارنامه درست کند.

اما از آنجا که رقبا رانده شده از قدرت هم فوت و فن آمار سازی ها را بلدهستند و مرتب تا حدی که وسعشان ایجاب می‌کند آنها را افشا می‌کنند و مردم نیز در زندگی روزمره خود خلاف آمارهای دولتی را مشاهده می‌کنند، آمار سازی ها دیگر نه تنها کسی را گمراه نمی‌کند، بلکه باعث تمسخر و مضحکه شدن و انزجار روزافزون مردم از جاعلان حکومتی آمار و اطلاعات می‌شود.

ساخت سالیانه یک میلیون مسکن، ایجاد سالانه یک میلیون شغل، رشد اقتصادی ۸ درصد، نصف کردن نرخ تورم، از زمره وعده‌های دولت رئیسی هستند که هیچ کدام شان نه تنها متحقق نشده‌اند، بلکه بعضا دچار پسرفت هم شده‌اند. دولت اما در واکنش به آنهایی که سبب عملی نشدن وعده‌های اش را می‌پرسند به جعل آمار روی آورده است.

رئیس مدعی ایجاد یک میلیون شغل می‌شود، وزیر کار از او فراتر می‌رود و مدعی ایجاد یک میلیون و ۳۶۰ هزار شغل یعنی حدود یک چهارم رقم اعلام شده توسط رئیس دولت می‌شود. بیشتر این رقم نیز به واقع اشتغال پایدار نیست. آمار های قبلی اداره آمار نیز که از افزایش نرخ بیکاری خبر داده بودند، با آمار وزیر کار و رئیس ناسازگار هستند. اگر آمار ۲۶۲ هزار شغل را در نظر بگیریم، در واقع آن را نیز نمی‌توان به حساب افزایش اشتغال تلقی کرد، زیرا کمتر از نصف کسانی است که هر ساله به تعداد متقاضیان کار افزوده می‌شوند. حتی اگر این آمارها هم نبود باز هم مردم به پوچ بودن آمارهای دولتی اطمینان داشتند.



حالا دیگر مشکل بر سر راه توسعه اقتصادی تنها تحریم های اقتصادی نیست. مشکلات متعدد دیگری نیز به مشکلات پیشین افزوده شده که چشم انداز خروج از رکود و ایجاد اشتغال را از گذشته سخت تر کرده اند. کمبود برق و گاز و ناتوانی دولت در تامین آنها و تعطیلی های پیاپی صنایع فولاد و پتروشیمی به دلیل کمبود انرژی و همچنین افزایش قیمت گاز و خوراک و مواد اولیه که به قصد جبران کسر بودجه کلان دولت انجام می شوند و از سوی دیگر افت بازار داخلی بواسطه فقیرتر شدن مرتب مردم چشم انداز بهبود قابل توجه در بهبود اوضاع تولید و اشتغال را تیره و تار می نمایند.

وضعیت ایجاد یک میلیون مسکن نیز به مراتب بدتر است. هدف از ایجاد یک میلیون مسکن که ظاهراً برای کاهش بحران و هزینه مسکن وعده داده شده بود گفته می شود کمتر از ۱۰ درصد آن به زحمت متحقق شده و قیمت آن به اندازه ای گران است که کمتر کسی از لحاظ مالی قادر به پرداخت اقساط آن است. افزایش پرشتاب قیمت و هزینه های مسکن ظرف سال گذشته به حدی رسیده که چنین رشدی در تمام سالهای پس از ۵۷ بی سابقه است. ملیونها خانواده خاصه در کلان شهرها دیگر استطاعت پرداخت هزینه مسکن خود را هم ندارند و دولت نیز دست روی دست گذاشته و هیچ اقدامی برای کمک به آنها نمی کند. اغراق نیست اگر بگویم بحران مسکن در ایران امروز می رود تا همان نقشی را که در آستانه انقلاب ۵۷ داشت ایفا کند.

زدن چوب حراج به نفت و خام فروشی باعث افزایش صادرات و درآمد رژیم شده است، اما افزایش درآمد حکومت نیز نه تنها بهبودی در وضعیت معیشتی و زیستی مردم بوجود نیاورده بلکه دولت با افزودن بر مالیات ها و گران کردن، گاز، برق، نان، دارو، مواد غذایی و غیره فشار اقتصادی بر مردم را بیشتر کرده است. به یک معنی بودجه سنگین دستگاه سرکوب و متعلقات افزایش درآمد ناشی از حراج نفت را چون ازدهایی سیری ناپذیر به کام خود می کشد و حاصل آن برای مردم چیزی غیر از فقر و فلاکت، بی مسکنی، بیکاری، تخریب محیط زیست و ده ها رنج و مشقت و بحران تازه دیگر نیست.

راهکار و نخستین گام برای خلاص شدن از این نابودی تدریجی بازگشت به خیابان و گسترش اعتصاب و اعتراض و متحد شدن مردم با هم برای برکناری رژیم ارتجاعی، فاسد و ناکارآمد فقهاتی است.

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**





یادی از یک قهرمان بزرگ فراموش شده! یادی از صمدی دیگر  
یادی از رفیق صمد اسلامی طاهری  
سیروس مددی



در این اول ماه مه، یادی می کنیم از یک سازمانده بزرگ جنبش کارگری، از رزمنده ای خستگی ناپذیر، رفیق صمد اسلامی طاهری، که پس از عمری مبارزه در راه خوشبختی طبقه کارگر و توده زحمتکش تهیدست، در تابستان سال 1367 بدست جلادان رژیم ایران تیرباران شد. صمد در سال 1332 در تبریز، در خانواده ای زحمتکش و در محله ای زحمتکش نشین دنیا آمد، در دانشگاه علم و صنعت درس خواند. در جستجوی راه رهایی انسان از فقر و تهیدستی و جهل و ... به ضرورت «سوسیالیسم» رسید به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و از مسئولان آن شد. صمد در کنار فعالیتهای گسترده دیگرش، باقتضای محیطی که در آن پرورش یافته بود و با علم به نقش توده زحمتکش، توجه و دلبستگی ویژه ای به جنبشهای زحمتکشان و کارگران داشت و درین عرصه رنجهای برد و کارها کرد.

... جنبش خارج از «یکی از فرازهای بزرگ زندگی صمد در سالهای پیش از انقلاب، نقش برجسته او در ... محدوده» تهران است.. در سال 56- که جنبش زحمتکشان مناطق خارج از محدوده تهران آغاز شد، صمد در راس آن قرار داشت. بخش عمده کتاب «گزارشاتی از مبارزات مردم خارج از محدوده» که پس از انقلاب از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» انتشار بیرونی یافت، توسط صمد تهیه شده بود. زمانی که در محله شمیران نو نارمک، چند تن از زحمتکشان برای مبارزه با عوامل شاه - که قصد ..... تخریب خانه ها را داشتند- شبی در خانه ای هم قسم شده شدند، رهنمودها را با واسطه ای از صمد می گرفتند.

در جنبش محله های کاظم آباد، شمس آباد و محله مجیدیه، صمد شخصا در راس جنبش بود. تمام نامه های که زحمتکشان این محلات به شهرداری و شاه نوشته اند، توسط صمد اسلامی نوشته شده اند. روزی که مردم محله کاظم آباد شمس آباد به کاخ نیاوران رفتند، پس از حدود 200 متر پیاده روی در نزدیکی کاخ، مامورین رژیم اخطار کردند که اگر قدمی دیگر برداشته شود شلیک خواهند کرد، صمد آنجا جلوی صف مردم از او خواستند که به عنوان نماینده شان با رژیم شاه مذاکره کند، ولی به توصیه او همه پذیرفتند. بود که فردی را به عنوان نماینده معرفی نکنند

.... صمد که از مدتها پیش با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مربوط بود، هنگامی که در اوایل سال ۱۳۵۶، توسط رفیق زنده یاد رحیم اسداللهی (علی چریک) شخصا به یکی از رهبران سازمان معرفی شد، شبکه وسیعی از فعالین دانشجویی و کارگری از تهران و تبریز و تعداد دیگری از شهرها را سازمان داده بود.



اعتصابات کارگری .. در آن سالها، نخستین هسته های کارگری در کارخانجات تبریز را نیز او سازمان داد ... سال 57 در کارخانجات بزرگ تبریز- که با رهبری فدائیان صورت گرفت- با سازماندهی و نقش او بود. تظاهرات اول ماه مه در تبریز در سالهای 58 و 59 و ... و همچنین "جلسات کارگری" مشهور تبریز در آندوران نیز از یادگارهای اوست. صمد مسئول کمیته شهر تبریز و مسئول شعبه تشکیلات شاخه آذربایجان فدائیان توجه ویژه او به جنبش کارگری، او را رهبر محبوب کارگران پیشرو تبریز تبدیل کرد. صمد را پدر جنبش بود کارگری آذربایجان در آن سالها نامیده اند. این را بی سبب نگفته اند که "صمد برآستی خود به تنهایی یک حزب بود".

.....

صمد اسلامی پس از ضربات سال 62، برای حفظ سازمان و رفقاییش از جان مایه گذاشت. پس از خروج اکثریت رهبری سازمان، از جمله چند رفیقی بود که در ایران ماند. صفاتی داشت که او را مبارز روزهای سخت کرده بود. او در این دوران، یکی از مسئولان سازمانهای مخفی فدائیان در ایران و ... بود و علاوه بر وظایف دیگر، با همکاری رفیقی دیگر مسئول سازماندهی گروههای مخفی فدائیان در شهرستانها (ایالات صمد بارها از چنگ جلادان رژیم - غیر از تهران) را بعهده داشت. مرکز امنیتی رژیم به نقش او پی برده بود گریخت و سرانجام پس از مدت‌ها تعقیب و گریز، در اثر تلاشهای بی وقفه مامورین رژیم و خیانت خائنی بنام کاوه ، در 29 بهمن سال 62 به چنگ جلادان افتاد. می دانستند اسیرشان شخصیت کلیدی در سازماندهی و رهبری سازمانهای مخفی فدائیان در ایران آنروزهاست. هر شکنجه ای را بر روی او آزمودند و صمد از آنهمه اسرار بسیار یکی را به دشمن نداد

صمد اسلامی طاهری در زندانهای رژیم از سرافرازان پابرجا و از سمبلهای مقاومت بود. او پیشتر - پس از آن مصاحبه های تلویزیونی و آن فضا - بارها و بارها گفته بود: باید به رژیم نشان دهیم که "افسانه پیچ اوین" پوچ است و شکنجه گران نخواهند توانست عزم و مقاومت ما فدائیان را درهم شکنند. او خود از مصادیق وفا به این عهد بود

صمد می دانست که دشمن مدام در پی اوست. هرچند امکان خروج بسیاری از هم‌زمان در خطر را از 67 سرانجام دستگیر شد و در تابستان سال ۶۷ کشور فراهم کرد، ولی خود آگاهانه و سرسختانه ماند دوشادوش دلوران دیگر، سرافرازانه در راه آزادی و عدالت، در راه توده زحمتکش و طبقه کارگر به خون غلتید. بسیاری از جان بدر بردگان از شکنجه و تیرباران، زندگی خود را مدیون جانفشانیهای صمد و چند رفیق مسئول دیگر در آن سالهای خونین اند. افسوس که درین سی و اندک سال کسی از او چیزی ننوشت. گویی هرگز نبوده است

در این اول ماه مه، یاد این انسان کمونیست، سازمانگر خستگی ناپذیر، پرکار، شجاع، فروتن و مردمی فراموش شده را نیز گرامی بداریم

\*\*\*\*

پس از آنکه خبر تیرباران صمد نیز آمد، در کنار نوشته هایی دیگر درباره رفقای شهید، با تصمیم هیئت تحریریه "کار" نوشته ای نیز در صفحه اول آن روزنامه با عنوان «قهرمان خلق، صمد اسلامی» منتشر شد. نویسنده آن نوشته بی امضا- که صد البته بدون استفاده از دانسته های رفقای دیگر ممکن نبود- من بودم. و دیگر درین سی و سه سال کسی «هیچ جا نگفت و هیچ جایی ننوشت که او جوان افتاد». نمی دانم! چه بسا آن موضوع «مرکز و حاشیه»، بطور خودکار درباره شهیدان نهضت آزادی و عدالتجویی نیز عمل می کند. با اینحال در طول این همه سال صمد هرگز از خاطر من نرفت. جمع آوری خاطرات هم‌زمان و دوستان اکنون پس از سالها، عزم نوشته ای مبسوط درباره صمد کرده . صمد درباره او، دغدغه مدام من بوده است از همه رفقا خواهش می کنم با ارسال دانسته ها، تدقیق ها و خاطرات خود از او، مرا یاری کنند. ما نگذاریم یاد قهرمانان جان باخته راه آزادی و عدالت، راه بهروزی توده زحمتکش و طبقه کارگر ایران در گردباد ..... زمانه از خاطره ها فراموش شود. چنین مباد که قهرمانانی چون صمد فراموش کرده شوند ولی زنده نگاهداشتن نام و یاد و تلاشهای این «فداکاران فراموش شده» وظیفه ماست. تجلیل از مبارزان آزادی ..... و عدالت، تجلیل از آزادی و عدالت است

و فراموش نکنیم که جانباختگان آزادی و عدالت- صرفنظر از اینکه عضو کدام سازمان و جریانی بوده اند،- رفقای ما و شهیدان راه خوشبختی مردم تهیدست زحمتکش رنج‌دیده، راه بهروزی همه مردم اند، آنها همه رفقای ما بودند. قدردانشان باشیم



اعتراض کارگران ارکان ثالث نفت کارگران خواستار تبدیل قرار داد های شان از پیمانی به قرارداد مستقیم و حذف شرکت های پیمانکاری دلال و رفع همه نابرابری مزدی، شغلی و رفاهی با کارکنان رسمی هستند



کمپین یکصد هزار امضاء برای آزادی معلمان زندانی و پایان دادن به پرونده سازی علیه معلمان

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان پس از پایان جمع آوری امضاء برای نامه به ریاست قوه قضائیه معلمان بسیاری با تماس یا ارسال پیام درخواست امضاء نامه را داشتند که متأسفانه فرصت آن پایان یافته بود. بنابراین تصمیم گرفته شد برای انجام این مهم کمپین یکصد هزار امضاء راه اندازی شود تا با حمایت شما همکاران گرامی این درخواست به گوش همه مسئولان کشور رسانده شود.

لطفاً با ورود به لینک زیر ابتدا پتیشن را امضاء و سپس با اشتراک گذاری این پست از طریق تمامی اپلیکیشن ها و یا ایمیل در موفقیت کمپین و آزادسازی معلمان سهیم شوید

روشن باشد VPN برای ورود به سایت بایستی فیلترشکن یا نوشتن نام، نام خانوادگی، کشور، شهر و استان محل خدمت یا بازنشستگی ضروری است

<https://fa.petitions.net/406678?u=8826850&s=10285>

تداوم اعتراضات بازنشستگان در شهرهای مختلف برای افزایش مستمری، درمان رایگان و علیه گرانی و تورم و امتناع حکومت از اجرای همسان سازی واقعی حقوق های بازنشستگی

فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

تا ظلم، ستم و استثمار هست، مبارزه ادامه دارد  
تجمع زنان و مردان بازنشسته اهواز در اعتراض به شرایط بد معیشتی و تبعیض و نابرابری



یکشنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۲  
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه



تجمع مجروحین و معلولین جنگ ۸ ساله (جانبازان) رها شده به حال خود شمار زیادی از مجروحین و معلولین باز مانده از جنگ ۸ ساله خمینی و صدام که مدتهاست به حال خود رها شده‌اند، باردیگر با برپایی تجمع اعتراضی مقابل بنیاد شهید خواستار رسیدگی به وضعیت بد معیشتی خود و پرداخت غرامت شدند.

جانبازان می‌گویند: وضعیت معیشتی نامناسبی داریم؛ بسیاری از ما در تامین هزینه‌های خوراک و هزینه‌های دارو و درمان درمانده‌ایم؛ ما خواستار افزایش مستمری جانبازی و پرداخت غرامت هستیم نیروهای امنیتی با گازاشک آور و حمله به قربانیان جنگ ۸ ساله این تجمع را برهم زدند!

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می‌کنیم!**

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید**

**در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**